

خبر

راهیابی «کارواش» به جشنواره

فیلم‌های کردی لندن

بخش فرهنگی – فیلم مستند «کارواش» به کارگردانی محسن سخا و محصول شبکه مستند به بخش مسابقه دوازدهمین دوره جشنواره فیلم‌های کُردی لندن راه یافت.

به گزارش ایسنا به نقل از پایگاه اطلاع رسانی سیما، این فیلم با حضور نگین فتاحی و شادمان کامران به گوشه‌هایی از زندگی این زوج حامی حیوانات در شهر مریوان می پردازد.

سخا علاوه بر کارگردانی، تهیه و پژوهش این فیلم مستند را بر عهده داشته و از دیگر عوامل آن می توان تصویر و تدوین: علیرضا بیهپانی صدابردار؛ محسن سخا، صداگذار و طراحی صدا: گیسو آزادروش، رنگ آمیزی تصاویر: احسان واقفی، طراح پوستر: طاهای ذاکر، ترجمه به انگلیسی: ماهر نصیریان اشاره کرد. جشنواره فیلم‌های کردی لندن از سال ۲۰۰۱ شروع به کار کرده است. دوازدهمین جشنواره‌ی جهانی فیلم کردی لندن از ۲۶ فروردین به صورت آنلاین آغاز به کار کرده است و تا ۷ اردیبهشت ادامه خواهد داشت.

●●●●●

«سیاوش در آتش»، روایتی تازه از

محمدرضا شجریان

بخش فرهنگی – مستند بلند «سیاوش در آتش» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی کیوان مهرگان ساخته شد.

این مستند با تمرکز بر زندگی و زمانه هنری استاد محمدرضا شجریان تحولات موسیقی و شعر فارسی را در بستر تاریخ اجتماعی ایران روایت می کند. کیوان مهرگان در بیش از دو سال، دیدگاه‌های متخصصان حوزه موسیقی، شعر، جامعه‌شناسی و شاهدان تاریخی حوادث را گردآوری کرده و به روایت یافته‌هایش پرداخته است. در این مستند تعدادی از چهره‌های سرشناس موسیقی، سیاست و فرهنگ به عنوان شاهدان تاریخی وقایع و خاطرات و نگاه خود را روایت می کنند. ساخت این مستند ۱۲۹ دقیقه‌ای، ۳۵ ماه طول کشیده است. کیوان مهرگان، شاعر و مستندساز پیش از «سیاوش در آتش»، مستندهای «ضد خاطرات»، «قاپها» و … را کارگردانی کرده است.

●●●●●

موضع عجیب مدیر سیمافیلم درباره سریال «احضار»

بخش فرهنگی – غلبه نگاه تجاری سبب شده صداوسیما در درج هشدار سنی درباره صحنه‌های ترسناک و وحشتناک صرفاً به هشدار در تیزز اکتفا کند تا جایی که مدیر سیمافیلم در سخنانی غیرمسئولانه عنوان می‌کند خانواده‌ها خودشان باید حواسشان به بچه‌هایشان باشد

بی‌مسئولیتهی صداوسیما در درج هشدار سنی درباره صحنه‌های خشن و وحشتناک مکرر زیر تیغ نقد قرار گرفته است، اما به نظر می‌رسد رسانه ملی همچنان به این مسئله نگاهی جدی ندارد و غلبه نگاه تجاری در جذب مخاطب سبب می‌شود صرفاً هشدار سنی به پخش تیزز و آگهی محدود شود.

مدیر گروه فیلم و سریال سیمافیلم درباره درج رده‌بندی سنی برای صحنه‌های حساس درست در فاصله نزدیک با صحنه مورد نظر می‌گوید: ۳۰ ثانیه تا یک دقیقه قیل از سکاس این هشدار اطلاع‌رسانی می‌شود، اما کل پلان‌های حساس مگر چقدر است؟ در قسمت اول ۱۵ تا ۲۰ ثانیه بود. به نظرم با توجه به تیزرهایی که از سریال پخش شد خانواده‌ها می‌دانسته‌اند که این سریال چه فضایی دارد و باید در برخی از قسمت‌ها تمهیدی برای تماشای سریال داشته باشند. به رغم هشدار قسمت‌های اولیه مبنی بر نامناسب بودن برخی صحنه‌های سریال رضایی «احضار» برای گروه سنی کمتر از ۱۴سال، دوشنبه-۳۰ فروردین ماه- قسمت‌هایی از این سریال با موضوع احضار روح، بدون توجه به این درجه‌بندی سنی روی آنتن رفت. سریال معرفی یا همان ماورایی «احضار» که در شب‌های ماه رمضان از شبکه اول سیما پخش می‌شود، با صحنه‌هایی همراه است که در مخاطب و خصوصاً گروه سنی کودک و نوجوان ایجاد رعب و وحشت می‌کند. ساخته علیرضا افخمی در پخش اولین قسمت، با این توضیح از سوی

پخش شبکه اول سیما همراه شد که «سریال احضار مجموعه‌ای در گونه ملودرام اجتماعی با موضوع معرفتی است و چنانچه در بعضی قسمت‌ها تماشای صحنه یا سکسنی برای کودکان مناسب نباشد، قبل از شروع تصویر مورد نظر علامت +۱۴ درج خواهد شد.» در راستای این تصمیم، در قسمت‌های اولیه پخش سریال «احضار» در برخی سکاس‌ها شاهد استفاده از علامت «+۱۴» بودیم که به نوعی پخش صحنه‌های رعب و وحشت را توجیه می‌کرد، هرچند پخش همین صحنه‌های درجه‌بندی شده از شبکه‌ای سراسری، آن هم در ساعتی که اغلب اعضای خانواده دور هم جمع هستند، از سوی برخی مخاطبان با واکنش همراه و اینگونه عنوان شده بود که فرزندانشان تحت تأثیر صحنه‌های ترسناک سریال قرار گرفته‌اند. اما در شرایطی که در قسمت ششم این سریال، مخاطب با صحنه‌هایی از احضار روح مواجه بود، این درجه‌بندی از سوی پخش شبکه اول سیما به فراموشی سپرده یا غیرضروری تشخیص داده شد. این در حالی است که مخاطب در این قسمت با سکسنی مواجه می‌شود که شخصیت «هائده» برای احضار روح به خانه «مینو» (فالگیر) می‌رود و در خیال خود با کاراکتر «کامرانی» دیدار می‌کند، ضمن اینکه این فرد که مدعی احضار روح است (با بازی افسانه چهره‌آزاد)، در لحظاتی با

لرزش‌های غیرمتعارف صورت و دست، مدعی حضور روحی در اتاق می‌شود و به نوعی بر رعب و وحشت صحنه می‌افزاید. هرچند در روند داستان از سوی سازندگان به مخاطب توضیح داده شده که در حقیقت احضارکننده روح یا همان مینو، فردی شیاد است که از طریق ورود همدمش به تلفن همراه افراد، به اطلاعات آن‌ها دست پیدا می‌کند، اما از آنجا که کودکان و نوجوانان اغلب توانایی تشخیص لایه‌های پنهان داستان را ندارند، درجه‌بندی سنی در این صحنه‌ها ضروری به نظر می‌رسید. امروزه استفاده از علائم هشداردهنده سنی برای بینندگان، از پرتوکل‌های ضروری و رایج در شبکه‌های تلویزیونی مطرح دنیا محسوب می‌شود و تاکنون بارها درباره ضرورت استفاده از این علائم هنگام پخش برنامه‌های تلویزیونی، به صداوسیما هشدار داده شده است.

{فرهنگ و هنر }

گفت‌وگو با ضیاء موحد

چالش سعدی برای موسیقی



کسانی که صدای‌شان بد است، حتی در جایی می‌گویند که اصلاً با شنیدن آواز بد، در حال بی‌زاری از موسیقی بوده‌اند.

نویسنده کتاب «سعدی» سپس در پاسخ به سوالی درباره کیفیت آهنگ‌هایی که با شعر سعدی ساخته می‌شوند، گفت: من این آهنگ‌هایی را که از شعر سعدی ساخته شده، آهنگ نمی‌دانم، این‌ها تصنیف نیست و خیلی ساده است؛ در واقع راه ساده‌ای است برای این‌که شعر را در دستگاهی بخوانند، بنابراین هنرمندی

است:

همچو خامشان بسته‌ام زبان

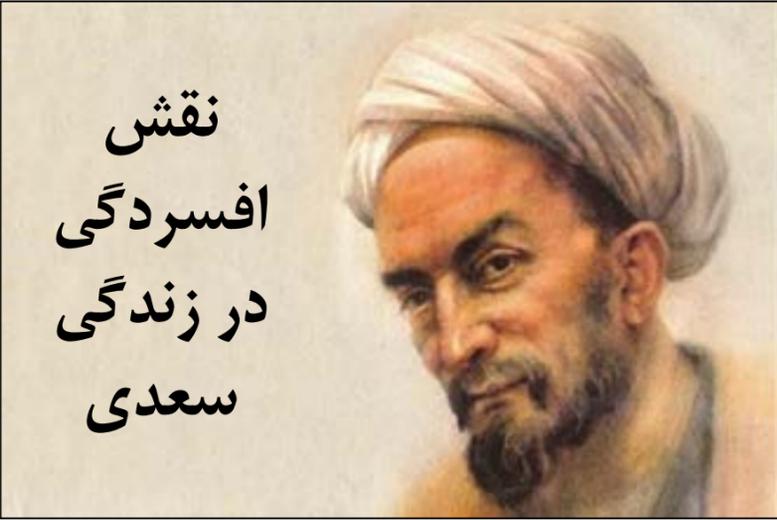
حرف من بخوان از اشاره‌ها…

ما ز اصل و اسب، اوفتاده‌ایم
ما پیاده‌ایم ای سواره‌ها

دور بسته را، فصل خسته را

دوره می‌کنم با دیواره‌ها

نشستن بر سر خرمن سوخته آرزوهای جوانی و رسیدن از



نقش

افسردگی

در زندگی

سعدی

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

سعدی در یک نسخه از دیوانه‌اش

پنجشنبه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۰

زیادی در آن‌ها نمی‌بینم، ضیاء موحد در توضیح بیشتر بیان کرد: تصنیف مشخصاتی دارد، بنابراین نمی‌توان به این آوازا و آهنگ‌هایی که بر شعر سعدی ساخته شده، گفت که آهنگ‌سازی کرده‌اند؛ به‌راستی این آهنگ‌سازی نیست بلکه راه ساده‌ای است که به ذهن خیلی‌ها هم می‌رسد که این شعر را می‌توان به این شکل و در این دستگاه هم خواند. برای همین تا جایی که من دیده‌ام، هنر چندانی نداشته‌اند، اگر آثار موفقی هم باشد، من اطلاعی ندارم و این مسئله دیگری است.

این شاعر درباره ویژگی‌های آهنگ‌سازی موفق از شعر سعدی نیز اظهار کرد: باید چنین آثاری ساخته شود چون به این شکل و در عالم خیال نمی‌شود تصور کرد. اما اگر به تصنیف‌هایی که امروزه ساخته می‌شود، مراجعه کنید می‌بینید که این‌ها به معنای واقعی تصنیف و آهنگ نیست و خیلی ساده است. حتی من که آهنگ‌ساز نیستم، گاهی که بعضی از شعرهای سعدی را برای خودم زمزمه می‌کنم، آهنگی بر آن می‌گذارم و آن را در دستگاهی می‌خوانم، اما اگر بخواهم این را به عنوان آهنگی بر شعر سعدی عرضه کنم، گمان می‌کنم هنری در آن نباشد. هرچند ممکن است موارد موفقی هم باشد که من ندیده‌ام. البته مثلا اثر «بوی جوی مولیان» (و غزلیاتی دیگر) که توسط بنان ساخته شده تا حدی بوده است. شهرام ناظری هم گاهی در آثارش چنین موفقیت‌هایی داشته است، اما اصولا ساختن آهنگ موفق بر شعر سعدی با توجه به تساوای مصرع‌ها و عروض خاصی که دارد، خیلی کار مشکلی است.

باری برگردیم به داستان پررمز دیباجه. «بعد از تأمل این معنی صلحلت چنان دیدم که در نشیمن عزلت نشینم و دامن صحبت فراهم چینم و دفتر از گفت‌های پریشان بشویم و من بعد پریشان نگویم. زبان‌بریده به کنجی نشستسته صَبرِکم

به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم
آیا این واقعا سعدی است که چنین زار، در روزگاری که شهره عالم و آدم است، به این نتیجه می‌رسد – یا خود را به این نتیجه می‌رساند – که زبان‌بریده به کنجی بنشیند؟

دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان می‌گوید:

«أسعدی‌آین را درست وقتی می‌گوید که – کم و بیش – تازه کتاب بوستان را تمام کرده بوده است. و اصلا جای شگفتی نیست. زیرا انسان‌ها غالباً درست هنگامی احساس بیپهودگی می‌کنند، و دچار افسردگی معمولا موقت (که ممکن است تا چندماه هم طول بکشد) می‌شوند که کاری را تمام کرده باشند. چون تا وقتی کاری را تمام نکرده‌اند زندگی‌شان معنا – یعنی هدف مشخصی – دارد و به‌محض این‌که تمام شد، دچار خلاء می‌شوند.»

سعدی مشخصاً با احوال زار و روحی پریشان، در کنج خلوت خویش به انزوا نشستسته که دوستی از راه می‌رسد و این‌طور که پیداست قصد دارد شاعر را از این حال بیرون بَرَد:

«تا یکی از دوستان که در کجاوه انیس من بود و در حجره جلیس، به‌رسم قدیم از در درآمد چندان‌که نشاط ملاعبت کرد و بساط مداعبت گسترَد جواشِ نغمتم و سر از زانوی تعَبَد برنگرفتم رنجیده نگه کرد و گفت:

کنونت که امکان گفتار هست

بگو ای برادر به لطف و خوشی

که فردا چو بیک اجل در رسید

به حکم ضرورت زبان در کشی»

و در نهایت در تحریک سعدی به نوشتن و رهایی از عزلت ناخواسته موفق می‌شود- از این رو گفتم ناخواسته که اگر افسردگی خودخواسته بود که دارویش نیز دست خود انسان می‌بود-استاد سخن، تجربه آن روز را چنین توصیف می‌کند:

زبان در دهان ای خردمند! چیست؟

کلید در گنج صاحب هنر

چو در بسته باشد چه داند کسی

که جوهر فروخته‌ش یا بیله‌بور

سعدی در غزلیات نیز البته دیگر در پیری گه‌گاه چنین نهمیبی بر خود زده است تا روحش را از بند افسردگی و قلمش را از خشکی طبع بیرون آورد:

پیر بودم ز جفای فلک و بخت جوان

باز پیرانه‌سرم بخت جوان باز آمد

یا

مگر به شیر بود شور عشق سعدی را

که پیر گشت و تَقَدَّر در او نمی‌آید

و البته این بعد از رهایی از واماندگی‌ها و عزلت‌نشینی‌های میانسالی است؛ پیری گذراند که دیگر می‌داند از زندگی به چه دست یافته و عاقبت راه انسانی خویش را پذیرفته است، چنان که فروید می‌گوید: «هدف همه زندگی‌ها مرگ است.»

آری، نگاشتن کتاب گلستان، متن شگفت‌انگیز تاریخ ادبیات ایران، به روایت خود سعدی در همان روز کلید می‌خورد که سعدی دامن افسردگی و افسوس را رها می‌کند و دست به خلق یکی از شگفت‌آورترین آثار ادبیات فارسی و شاید جهان می‌زند. از این‌رو می‌توان این تجربه را که سعدی در نزدیک به هشتصد سال پیش راوی آن بود در خوندگاشته‌های نویسندگان، شاعران و موسیقیدانان معاصر به وضوح رصد کرد. جایی که پس از چندین سال ادامه داشت و بر اعتماد به نفس راحمانی‌ف لطمه وارد کرد. در نهایت پس از درمان این بیماری، راحمانی‌ف موفق به خلق کنسرتو شماره ۲ شد.

نوعایی چون شاعران و هنرمندان در دنیای ناشناخته‌ای که بسیاری از ابعاد آن هنوز کشف نشده زندگی می‌کنند و می‌خواهند آینده را به مکان بهتری برای زیستن تبدیل کنند و هنگامی که با واردگی مواجه می‌شوند نه‌تنها آمال‌شان را از دست‌رفته می‌بینند که خود را ناگهان در بند گوشه‌نشینی دچار می‌یابند.»